

اینکه آنها در مسیر یادگیری قرار گیرند. محققین دانشگاه «هاروارد» کشف کردند برای اینکه آموزش انگیزه پیشرفت مؤثر واقع شود باید در مورد کودک ۱۲ ساله و بعد از آن به مورد اجرا گذاشته شود. همچنین کشف کردند که آموزش انگیزه پیشرفت باید در درون برنامه عادی کلاس قرار گیرد.

رایل (۱۹۶۹) کشف کرد که بنظر نمی رسد اثربخشی آموزش انگیزه پیشرفت تابعی از ریش اخلاقی باشد. کوشش‌ها برای آموزش انگیزه پیشرفت در کودکان کود کستان با شکست مواجه شد.

#### ۲- جنسیت

پژوهشها نقش عامل جنسیت را در اثر بخشی آموزش انگیزه پیشرفت نشان داده‌اند. از آنجا که در ابتدا آموزش انگیزه پیشرفت بر اساس موضوعات مردانه بوده، بین دو جنس از لحاظ اثر

بخشی تفاوت وجود داشت. اما زمانی که این عامل از بین رفت تفاوت‌ها نیز کاهش یافت.

#### ۳- ماهیت موضوع

سنگان و موس (۱۹۶۲) گزارش داده‌اند که نمره پیشرفت در بصرها همبستگی بالایی با موضوعاتی که جنبه عینی داشته باشند دارد، یعنی اعمال آشکاری که پس خوراند فوری می دهد که آیا فرد کار درستی را انجام می دهد یا خیر؟ تحقیقات رایل (۱۹۶۹) بر این حقیقت صحنه گذاشت که آموزش انگیزه پیشرفت، عملکرد فرد را در دروس ریاضی و علوم بیش از مطالعات اجتماعی بهبود می بخشد.

#### ۴- ساختار کلاسی

اینکه کلاس بطور سنتی اداره شود یا شیوه‌های علمی جدید، می تواند بر اثر بخشی آموزش انگیزه پیشرفت مؤثر واقع

شود.

بطور کلی باید گفت که سطح انگیزشی کودک بوسیله چهار عامل زیر تعیین می گردد:

۱- ارزشی که برای موضوع قائل است.

۲- انتظار موفقیت.

۳- توجیه کودک در شکست و موفقیت.

۴- معیارهای کودک در مورد سنجش عملکرد.

دقت در عوامل مطرح شده فوق و برنامه ریزی بر اساس آنها می تواند در تقویت انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموز مؤثر باشد.

بهره گیری از شیوه انگیزه پیشرفت برای بهبود و متعالی آموزش و باروری و سازندگی نسل امروز که با آموزشهای متعدد و مختلف سازنده و مخرب مواجه است کاری بایسته و ضروری است.



# مددکاری

# اجتماعی

# در

# آموزش و پرورش

## • مقدمه

هسته‌های مشاوره استانی و مناطق کشور، در جهت خدمت رسانی هر چه بهتر و شایسته بر به دانش آموزان، ناگزیر باید از حرفه مددکاری اجتماعی جلب کمک و یاری نمایند.

مددکاری اجتماعی در وزارت آموزش و پرورش دارای سابقه قابل توجهی نسبت و آنک که در چارچوب برنامه هسته‌های مشاوره، حضور این علم و حرفه جدی و رسمی تلفی شده است، باید حیطه‌ها و وظایف این علم به خوبی مورد بررسی و شناخت قرار گیرد. مقاله حاضر شروعی است برای این شناخت و آگاهی

## # تعریف مددکاری اجتماعی

مددکاری اجتماعی فعالیت ویژه‌ای است که برخی از مؤسسات رفاه اجتماعی آن را به مراجعان خود عرضه می دارند و به آنان یاری می دهند که با کارآیی بیشتری با مشکلاتی که در انجام دادن کار و وظایف اجتماعی خود روبرو شده‌اند مقابله کنند.

سرورالسادات میر ابراهیمی



ژوژش کاو علم انسانی و مطالعات فرهنگی

است یا او را دچار اشکال یافته باشند. از این رویا به کمک و یاری دارد.

کمکها دو نوعند: ۱- کاملاً مادی و اقتصادی برای مددجو ۲- کمکهایی که صرفاً جنبه راهنمایی و مشورت داشته باشند.

از همان زمانی که فرد آغازه دریافت کمک درخواستی خود می کند او را مددجوی نامیم.

#### # تعریف مکان

مکان عبارت است از یک موسسه خدمات اجتماعی یا بخش خدمات اجتماعی از یک سازمان رفاه اجتماعی. این موسسه یا بخش خدمات اجتماعی به ویژه برای پاسخگویی و رفع مشکلات افراد جامعه، یعنی افرادی که در اداره کارهای زندگی خود دچار ناراحتیها و آشفتگیهایی گشته اند بوجود می آید. مشکلات این افراد خواه ناشی از عدم روابط درست

مددکاری اجتماعی پدیده ای است پیچیده، پرتحرک و در عین حال متغیر و در حال تکامل.

#### # اجزای تشکیل دهنده یک موقعیت در مددکاری

هسته اصلی بوجود آورنده مددکاری عبارت است از «شخص» که «مشکلی» دارد و آن را با خود به «محلی» می آورد تا به وسیله «نماینده حرفه ای» آن محل از طریق یک نوع کار و فعالیت خاصی به او کمک شود. از آنجا که همیشه مرکز اصلی هر موقعیت فردی است که تقاضای کمک حرفه ای می کند باید سعی کنیم هر چه بیشتر و بهتر این اجزای تشکیل دهنده را از یکدیگر تفکیک کرده و آنها را بشناسیم.

#### # مددجو کیست؟

مددجو انسانی است که (ممکن است یک مرد، یک زن یا یک کودک باشد.) به عبارت دیگر کسی است که از یک یا چند جنبه زندگی عاطفی یا اجتماعی خود دچار اشکال شده

● هدف کلی، اجتماعی یا نسبی است و روبرو است با آنهایی که هر انسان زنده در محیطی بسر می برد. همیشه متاثر از روابط متقابل بین خود و پیرامون خویش است. شناخت او بسا دشوار و پیچیده می گزید.

اجتماعی داشته و ممکن است ناشی از اضطراب عصبی یا کمبودهای مالی و یا علل دیگری باشد. به طور کلی هر انسان «فراورده ای» است مرکب از ساختمان شخصیتی و محیط فیزیکی و اجتماعی و تجربه های گذشته - ادراکات و اعتقادات و واکنشهای کنونی و حتی امیدها و آرزوهای آینده اش. بنابراین مجموعه تاثیر و تأثر این عوامل فیزیکی و روانی و اجتماعی و گذشته و حال و آینده است که فرد آنها را همراه خود به موقعیتهای گوناگون زندگی می کشاند. خوشبختانه نیاز مددکار به دانستن این اطلاعات برای شناخت مددجو محدود به آن مقداری است که به کار او یعنی قادرسازی مددجو به حل یا مقابله با مشکل می آید و برای این کار دانستن همه رویدادهای زندگی پیشین مددجو ضروری نیست.

#### # ماهیت مشکل

آن چیزی که مددجو به خاطرش درخواست کمک می نماید، میزان و مقدار اطلاعاتی را که مددکار لازم دارد معین می کند.

مثلاً دانستن این نکته ضروری است که رفتارهایی که به خاطر «کسی شدن یا کسی بودن» از هر شخص سر می زند به وسیله انتظاراتی که خود و فرهنگ جامعه از او دارند شکل گرفته و مورد قضاوت قرار می گیرند.

همین مقدار اطلاعات کافی است که مددکار، اقدام اجتماعی خود را آغاز نماید. و در آموزش و پرورش میزان جمعیتی که به نوعی نیازمند امدادهای مددکارانه می باشد وسیع است ولی چون کمتر به آنها پرداخته اند در انبوه مشکلات اجتماعی مدفون گردیده اند.

نقش مددکار در آموزش و پرورش این است که سعی و کوشش نماید تا مددجو را در رفع مشکل خود یعنی چیزی که مانع حفظ توازن او در تحرک و پیشرفت است از میان بردارد.

#### # وظایف مددکار

۱- شناسایی ویژگیهای بدنی و روانی و استعدادها و رغبتهای کودکان و نوجوانان و کانالیزه نمودن این استعدادها به منابع بهره گیری از آنها از قبیل ارجاع به تربیت بدنی، مشاورین، واحدهای کاریابی، واحدهای هنری و امثالهم.

۲- قرار دادن هر کودک و نوجوان در مسیر متناسب تربیتی براساس ساختمان وجودی او.

آنان با یک فرد باشد خواه با یک گروه و یا موقعیتی دیگر، موسسه کوشش خواهد کرد تا مدددهای لازم و متناسب به آنان ارائه گردد. هدفهای موسسه و تحقق آنها از مسیر خدمات «مددکار» عملی می شود.

حال با توجه به مقدمه ذکر شده و ضرورتهایی که برای تقویت مددکاری اجتماعی در آموزش و پرورش حس می شود به شاخصها و یا به عبارتی سیاستهای عمده مددکاری اجتماعی آموزش و پرورش می پردازیم.

شاید بتوان این تعریف از مددکاری اجتماعی را تحت عنوان «مددکاری اجتماعی در آموزش و پرورش» مطرح کرد. مددکاری اجتماعی در آموزش و پرورش حرفه ای است مبتنی بر استعدادها، مهارتها، دانشهای برخاسته از اندیشه های اسلامی و دانشهای نوین بشری در جهت فراهم آوردن شرایط هدایتی مادی و معنوی برای افراد و اقشار نیازمند جامعه آموزش و پرورش به نوعی که در جهت شناخت و رفع مشکل خود و جامعه برانگیخته شوند.

#### # هدف مددکاری در آموزش و پرورش

بنا بر تعریف فوق، اولین تلاش و هدف مددکاری آن است که مددجو را در سازگاری با محیط و اعاده کارآیی او برای ایفای وظایف اجتماعی خود هر چه بیشتر توانا و قادر سازد. از این جهت مددکار در آموزش و پرورش با سه قشر انسان (دانش آموز - کادر آموزشی - خانواده) روبرو خواهد بود، که در عین جدایی یک پیوستگی خاص بین آنها موجود است. مددکار زمانی می تواند در تقویت و گره گشایی مشکل مددجوی خود گام مؤثرتری را بردارد که این سه قشر را در ارتباط با یکدیگر مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

مددکار اجتماعی با انسان روبرو است و از آنجایی که هر انسان زنده در محیطی بسر می برد که پیوسته متأثر از روابط متقابل بین خود و پیرامون خویش است، شناخت او بسیار دشوار و پیچیده می گردد.

گرچه شناخت ابعاد پیچیده وجود انسان دشوار است ولی از طرفی مددکار نیاز به شناخت انسان دارد. لذا شاید بتوان انسان را اینگونه تعریف نمود «هر فرد در هر یک از لحظات زندگی خود تمامیتی است که به عنوان یک موجود زنده و واقعی کارهایی را انجام می دهد که جنبه جسمانی و روانی و





۷- انجام تحقیقات اجتماعی و کاربردی به منظور شناخت علل و عوامل بوجود آورنده کج رفتاری ها توسط مدد کار محقق.

### مشکلات فعلی در آموزش و پرورش

- ۱- نبود مدد کار در کنار هسته های مشاوره استانی و مشاورین مربوطه منجر به انجام اقداماتی اتر گردیده است و علی رغم تلاش بیش از حد مشاورین به نتیجه مطلوب مورد نظر خود نمی رسند.
- ۲- عدم هماهنگی دانشگاهها با دفتر مشاوره و تحقیق دائره مدد کاری که به هرز رفتن نیروی مدد کاران کارورز در مدارس و عدم دستیابی به اهداف مطلوب منجر می شود.
- ۴- عدم شناخت خانواده ها از خدمات مدد کاری که معمولاً در بازدید از منزل، مدد کار را مواجه با مشکلاتی می نماید.
- ۵- عدم اختصاص مکان خاص در آموزش و پرورش برای انجام خدمات مدد کاری

### پیشنهادات

- ۱- ایجاد تشکیلات سازماندهی برای جذب مدد کار اجتماعی در وزارت آموزش و پرورش استانی و مناطق، حداقل برای هر منطقه ۳ مدد کار برای سه مقطع مختلف تحصیلی ابتدائی - راهنمایی - دبیرستان
- ۲- آموزش مربیان تربیتی، مدیران و معاونین در زمینه کار با فرد
- ۳- آشناسازی مدیران در کار با گروه
- ۴- در اختیار گذاشتن ساعت پرورشی برای مدد کاران برای انجام کار گروهی
- ۵- آشنا نمودن مدد کاران در دانشکده ها با مقررات آموزش و پرورش
- ۶- تربیت مدد کاران خاص آموزش و پرورش بطوری که مدد کار دوره کار فردی و گروهی را در آموزش و پرورش بگذرانند.
- ۷- خلاصه اینکه مدد کار خاص آموزش و پرورش ضرورت اجتناب ناپذیر آموزش و پرورش است. □

۳- بکار گرفتن روشها و تدابیر تربیتی، متناسب با تواناییها و نیازهای هر گروه به طریقی که فعالیتها به صورت مؤثرتر، سهل تر و سریعتر انسانها را برای قبول شرایط زندگی مطلوب فردی و اجتماعی آماده سازد.

- ۴- کسب اطلاعات در مورد ناکامیها و شکستهای نوجوانان در مراحل مختلف تحصیلی
- ۵- رسیدگی به وضع دانش آموزان و کودکان ناسازگار و بزهکار در جهت بافتن علل این قبیل اختلالات رفتاری و کمک به آنها برای بازگشت به رفتار طبیعی
- ۶- سازگار کردن آن دسته از دانش آموزانی که به علت نقایص جسمانی یا روانی در محیط مدرسه، خانواده و جامعه دارای مشکلات ارتباطی و انسانی هستند.
- ۷- راهنمایی و کمک به خانواده هایی که دارای فرزند کند ذهن و یا تیز هوش بوده اند.
- ۸- کمک به دانش آموزان بی بضاعت از طریق سازمانهای اجتماعی ذربط

### ۹- کمک به امور توان بخشی دانش آموزان

- ۱۰- حمایت از دانش آموزان فاقد سرپرست یا دانش آموزانی که سرپرست آنها به گونه ای توان سرپرست مؤثر از خانواده خود را بصورت موقت یا دائم ندارد.
- برای اینکه امور فوق با موفقیت انجام گیرد لازم است که اقدامات زیر انجام شود:
- ۱- ایجاد رابطه حرفه ای و مستمر با مدارس مختلف و اولیاء امور با شناخت قبلی از آنها
- ۲- ایجاد ارتباط مستمر و مستقیم با والدین و خانواده ها
- ۳- کمک به فراهم آوردن زمینه شناخت و آگاهی خانواده ها از عوامل مختلف مربوط به افت تحصیلی و انحراف اخلاقی
- ۴- همکاری با مسئولین رده های مختلف آموزش و پرورش در خصوص جلب مشارکتهای مردمی و مساعدت سازمانها
- ۵- همکاری با مسئولین رده های مختلف آموزش و پرورش و مدارس از یکسو و اعضای انجمن اولیا و مربیان از سوی دیگر.
- ۶- آشنائی با مؤسسات رفاهی